

بزرگ‌ترین جنبش سیاسی مصر

● ابوالقاسم آخته



تاریخ جمعیت اخوان المسلمین از آغاز تا امروز

نویسنده: ریچارد میشل

مترجم: سید هادی خسروشاهی

ناشر: تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹، ۳۹۲ صفحه

پروفسور ریچارد میشل، استاد دانشگاه میشیگان، پس از پنج سال اقامت در مصر و پژوهش و کاوش‌های علمی، کتاب حاضر را درباره‌ی تاریخ و اندیشه‌ی بزرگ‌ترین جنبش سیاسی کشور مصر یعنی «اخوان المسلمین» منتشر ساخت که در واقع یکی از غنی‌ترین کتاب‌ها در این زمینه است، به‌ویژه که از سوی دو تن از شخصیت‌های برجسته‌ی اخوان المسلمین مورد بررسی و ارزشیابی قرار گرفته است. سیدهادی خسروشاهی، کارشناس برجسته‌ی وزارت امور خارجه در مسائل جنبش‌های اسلامی معاصر، این اثر را به فارسی برگردانده و انتشارات وزارت امور خارجه، آن را چاپ و منتشر کرده است.

این جستار به معرفی و بررسی مجلد دوم این کتاب می‌پردازد. این جلد، شامل فصل‌های ششم تا دهم، یک فصل پایانی و نتیجه‌گیری است. فصل ششم پیرامون سازمان و تشکیلات جمعیت اعم از رهبری، سوگندنامه (مرامنامه‌ی جنبش) شرایط عضویت دفتر ارشاد کل، مسؤلیت‌های دفتر ارشاد کل، دبیر کل و چند بحث دیگر مانند تشکیلات اداری انجمن‌های ایالتی، شعبه‌ها و منابع مالی و شرایط عضویت در سازمان بحث می‌کند. فصل هفتم به آموزش و ارتباطات اختصاص دارد و مباحث روزنامه و مجلات، وظایف مطبوعات، مبلغان، سخنرانان و سخنرانی‌ها، برنامه‌ی جلسات، شعارها و اصول آرمانی جنبش، مباحث نبردها و فرهنگ شهادت و مشخصات جنبش را شرح می‌دهد.

فصل هشتم با عنوان «مشکل و نمونه‌ی عالی»، تصویری از چهره‌ی اسلام را در نظر جنبش ارائه می‌دهد و سپس به تاریخ اسلام و مواضع الازهر، مباحث تصوف و صوفیان، معرفی طوایف و مذاهب، موقعیت مصر در جهان اسلام، نگاهی به تاریخ مصر، احزاب و سیاست‌های جنبش، مبحث سرمایه‌داری و سلطه‌ی اقتصادی استعمار بر مصر و جهان اسلام، اخلاق اخوان، سیمای غرب، تمدن غربی و استعمار و سیاست‌های او در مورد جنبش و کشورهای مسلمان می‌پردازد.

فصل نهم به ارائه‌ی راه‌حلی برای بازگشت به اسلام آغازین و بنیادین می‌پردازد، اصولی که از فلسفه‌های پایه‌ای شکل‌گیری جنبش اخوان المسلمین بود. در این فصل مباحث پیرامون نظام اسلامی شریعت، بحث جدایی از سیاست، دولت اسلامی، نظام سیاسی و ارکان آن، بحث آزادی بیان

و اندیشه، نظام مالکیت و نظام اقتصادی، زکات، حقوق کارگر، نظام اجتماعی، بحث اختلاط زن و مرد و طلاق می‌پردازد.

فصل دهم نیز ضمن ارائه‌ی راه‌حل‌هایی برای اصلاح شیوه‌ی حکومت و سیاست، اصلاحات سیاسی و قوانین اداری، اصلاح ارتش و پلیس و موضع‌گیری‌های سیاسی، به مباحثی در خصوص قومیت، وطن‌دوستی، وطن‌خواهی و فتوحات، به وطن‌خواهی حزبی، اخوان المسلمین و شعار «وحدت اعراب»، راه‌های اسلامی بودن، شرقی بودن، اصلاح اقتصادی، صنعت و تجارت، کار و کارگر، مسئله‌ی افزایش جمعیت، بهداشت عمومی، خدمات و تعاون اجتماعی، اصلاح اجتماعی و اخلاقی و... اشاره دارد. گفتار پایانی کتاب، به واکاوی مباحث سازماندهی و رهبری، اقتدار سازمانی، سیاست خشونت، خشونت از نظر سیاسی و اجتماعی پرداخته است.

به‌طور کلی کتاب از تحلیل و راهبردها و نگاه غرب‌گرایانه به جهان اسلام و باورها و آموزه‌های اسلامی مبرا نیست و جوامع اسلامی را با عینک غرب و تسلط غرب بر جهان اسلام می‌بیند و همان نسخه‌ی مریم و تکراری غرب را برای جهان اسلام می‌پسند.

ضعف‌های عمده‌ی کتاب در این است که یک فرد غربی هیچگاه، مسائل، باورها و درد‌های جوامع اسلامی و جهان سوم را درک نمی‌کند چون آن‌ها را لمس نکرده و با این مسایل بیگانه است. کتاب عنوان پرمطراقی دارد اما در ارائه‌ی تصویر واقعی از اسلام و جوامع اسلامی ناتوان است.

مصر که همیشه در سطح اول کشورهای عربی-اسلامی قرار داشته و به‌عنوان خاستگاه جمعیت اخوان المسلمین، الگو و مهد علم و تمدن و رشد و بالندگی اندیشه‌ها و اندیشمندان بوده که بر جهان پیرامونی خود هم تأثیرگذار بوده است. این جنبش از مارس ۱۹۳۸، طبق گفته‌ی حسن البنا، مبارزات مسلحانه در دستور کار خود قرار داد و برای رهایی از سلطه‌ی استعمار خارجی و دیکتاتوری داخلی، حتی از بذل جان دریغ نکرد. آخرین بازتاب مبارزه‌ی اخوان، در سقوط حسنی مبارک تجلی پیدا کرد. بنابراین، جنبش با اهداف عالی خود رفته رفته در تار و پود کشور مصر و بسیاری از کشورهای عربی و اسلامی ریشه دوانده و سنگر محکمی از اسلام‌خواهی در منطقه داشت، و سالیان درازی است که در صحنه‌ی سیاست اجتماعی مصر فعالانه حضور دارد اگرچه در این راستا فراز و نشیب هم به خود دیده است، اما توانسته خود را به عنوان یکی از گزینه‌های مهم در صحنه‌ی بازیگران روابط بین‌الملل مطرح کند و قطعاً در تحولات آینده‌ی کشور مصر و جهان اسلام و منطقه‌ی حساس خاورمیانه نقش مهم و تأثیرگذار ایفا خواهد کرد. در واقع جنبش اخوان المسلمین را باید محصول شرایط سیاسی اجتماعی تاریخ معاصر از جمله تفکر غربی جدایی دین از سیاست یا همان (سکولاریزم) به شمار آورد که همانند سدی در برابر گسترش این تفکر مسموم ایستادگی کرد. روشنفکران و وطن‌پرستان مصری در مبارزات خودشان پس از دوران دیکتاتوری انقلاب ۱۹۱۹ در مصر با همین تفکر جنبش، علیه استعمار انگلستان قیام کردند.

اهداف بنیان‌گذاران جنبش و به‌ویژه رهبر آن، علاوه بر ایجاد تحول در باورهای اسلامی مسلمانان و به‌ویژه مصریان از حالت ایستا و خمودگی، به

سمت پویایی و حاکم ساختن آموزه‌های شریعت اسلام و جاری ساختن آن در زندگی مردم و اجتماعی مصر و در سطح گسترده‌تر جهان اسلام و وحدت آنان در برابر استعمار غرب بوده است.

اهداف جنبش تا زمانی که حسن البنا، رهبر آن در صحنه حضور داشت از هماهنگی و انسجام بهره می‌برد اما پس از ترور او و با ظهور فردی مانند جمال عبدالناصر و استفاده‌ی ابزاری او از اسلام برای پیشبرد اهداف خودش، جنبش را به چالش کشید و به حاشیه راند با این وصف عواملی دست به دست هم داد که موجب شد، جنبش خیلی زود جای پای خودش را در مصر و کشورهای مسلمان باز کند و پیروان زیادی را جذب نماید. از جمله:

۱- یأس و نومیدی اعراب و مسلمانان و سرخوردگی و تحقیر آن‌ها از سوی استعمارگران به ویژه انگلستان که مصر را مستعمره خود ساخته بود؛

۲- بروز شکاف و اختلاف عقیدتی و دینی میان احزاب و تشکل‌های مصر، موجب گرایش آن‌ها به سمت جنبش منسجم و یکپارچه‌ی مصر شد؛

۳- مبارزه با برخورد مداوم و مستمر مردم مصر با استعمارگران انگلستان. در این راستا، مبارزه با تفکر سکولویزم در مصر و منطقه شدت پیدا کرد؛

۴- فساد و دستگاه سیاسی حاکم در مصر و بی‌اعتنایی به خواسته‌های مردم. از سوی دیگر، جنبش برای حفظ قوام و دوام و انسجام خود دست به اقداماتی زد که موجب شد زودتر به اهداف مورد نظر دست پیدا کند از جمله:

الف) ایجاد ساختار هرمی که از قاعده به رأس عمل می‌شد برعکس ساختارهای این‌چنینی که از بالا به پایین عمل می‌شود. و این نوعی خلاقیت در مبارزه با دیکتاتوری بود. ب) ایجاد شاخه‌ی نظامی با توجه به جنگ ۱۹۴۸ فلسطین، برای مبارزه‌ی مسلحانه و کمک به جنبش‌های اسلامی ضداستعماری در منطقه به ویژه در فلسطین علیه اشغالگران یهود.

ج) ریشه دوانیدن سریع جنبش در جهان عرب و اسلام و روش اصلاح در فعالیت‌های سیاسی و از همه مهم‌تر این که معتقد بود برای رهایی از سلطه‌ی استعمار و رسیدن به اهداف و اصلاح ساختارهای معیوب و فاسد کشورهای اسلامی، باید گام به گام به پیش رفت و از شتاب‌زدگی و بی‌برنامگی پرهیز کرد. متأسفانه جنبش رفته رفته و به‌ویژه پس از حذف رهبر آن بر سر مسائل مختلف از جمله نوع مبارزه و نوع حمایت از جنبش‌های اسلامی همانند آنچه در فلسطین رخ می‌داد و مسایل دیگر که از اهداف بنیادین آن به‌شمار می‌رفت، اختلاف نظر پیدا کرد، به حاشیه رفت و از اهداف خود دور شد. به‌ویژه پس از روی کار آمدن انور سادات و صلح با اسرائیل و پس از آن حسنی مبارک، روش سرکوبگرانه‌ی علیه جنبش در پیش گرفتند و اخوان المسلمین در رخوت و رکورد فرو رفت و از آن جز نامی باقی نماند. اما با توجه به سال‌ها خفقان و دیکتاتوری که جنبش از سر گذراند و با عنایت به تحولات منطقه در چند ماه اخیر که جنبش در ایجاد آن نقش اساسی داشت، امید می‌رود دوباره همانند ققنوس سر از خاکستر خویش برآورده و رشد و بالندگی خود را از سر گیرد.

کتاب حاضر در ارائه‌ی اطلاعات و آمار و ارقام و بررسی تحولات و رویه‌ها و وقایع جنبش اخوان المسلمین، اطلاعات جامعی به خواننده می‌دهد و این را می‌توان از نقاط قوت آن به شمار آورد.